****

[ادامه بررسی ادله بطلان سعی به زیاده از روی علم و عمد 1](#_Toc487712494)

[اشکال محقق داماد ره 1](#_Toc487712495)

[نقد کلام محقق داماد ره 2](#_Toc487712496)

[ادله عدم بطلان سعی به زیاده از روی جهل 2](#_Toc487712497)

[روایت اول: صحیحه هشام بن سالم 2](#_Toc487712498)

[روایت دوم: صحیحه جمیل 3](#_Toc487712499)

[نظر مختار: عدم اضرار زیاده از روی جهل 6](#_Toc487712500)

**موضوع**: احکام سعی /سعی /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بررسی ادله بطلان سعی به زیاده از روی علم و عمد

در بحث تصحیح سند روایت عبد الله بن محمد، نکته دیگری نیز وجود دارد مبنی بر این که راوی از عبد الله بن محمد، صفوان است و به نظر ما مروی عنه صفوان ثقه است به سبب شهادت شیخ طوسی به این که صفوان و بزنطی و ابن ابی عمیر عرفوا بانهم لایروون و لایرسلون الا عن ثقة.

### اشکال محقق داماد ره

یا روایاتی که به آن ها بر بطلان سعی به زیادی عمدی استدلال شد، منصرف از عالم عامد است و یا لااقل حمل این روایات بر عالم عامد، حمل بر فرد نادر است، چون کسی که می داند زیاده در سعی مبطل سعی است، وجهی ندارد که عمدا سعی زائد انجام دهد و سعی خود را باطل کند، و گرنه چرا اصلا سعی انجام داده و به حج رفته است؟

لذا این روایات با روایاتی که درباره جاهل و ناسی حکم به عدم بطلان سعی کرده، معارضه می کند و بعد از تعارض، مقتضای جمع عرفی این است که روایات وجوب اعاده سعی در فرض زیاده را حمل بر استحباب کنیم، و روایاتی که در مورد جاهل و ناسی حکم به عدم بطلان سعی کرده است، حمل بر تخییر شود، البته تخییر با حفظ مراتب فضل، یعنی افضل اعاده سعی است، در درجه دوم از فضیلت، اضافه شش شوط به هشت شوط است و درجه آخر فضیلت، الغاء شوط زائد و اکتفاء به هفت شوط اول است.

#### نقد کلام محقق داماد ره

فرمایش ایشان عرفی نیست، عرف بین این دو دسته روایت جمع عرفی نمی بیند، مثلا اگر از کسی سوال شود که هشت شوط سعی کرده ایم، حکمش چیست، اگر یکبار بگوید اعاده کن و یکبار بگوید شوط هشتم را الغاء کن، جمع عرفی ندارد که امر به اعاده، حمل بر استحباب شود، بلکه ظاهر امر به اعاده، ارشاد به بطلان است و روایت دوم نیز ارشاد به صحت سعی است و لذا جمع ایشان قابل قبول نیست، مخصوصا با توجه به مشبه علیه که زیاده در نماز است، زیرا زیاده در نماز واجب که قطعا سبب بطلان نماز است و بحث استحباب اعاده در آن مطرح نیست.

لذا گفتیم ابتداءً باید روایات وارده در رابطه با جاهل و ناسی را مطرح کنیم و دلالت آن ها بررسی شود و سپس به رفع اشکال بپردازیم:

## ادله عدم بطلان سعی به زیاده از روی جهل

### روایت اول: صحیحه هشام بن سالم

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ‌ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: سَعَيْتُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ- أَنَا وَ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ رَاشِدٍ فَقُلْتُ لَهُ تَحَفَّظْ عَلَيَّ- فَجَعَلَ يَعُدُّ ذَاهِباً وَ جَائِياً شَوْطاً وَاحِداً- فَبَلَغَ مِثْلَ ذَلِكَ فَقُلْتُ لَهُ كَيْفَ تَعُدُّ- قَالَ ذَاهِباً وَ جَائِياً شَوْطاً وَاحِداً- فَأَتْمَمْنَا أَرْبَعَةَ عَشَرَ شَوْطاً- فَذَكَرْنَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَالَ- قَدْ زَادُوا عَلَى مَا عَلَيْهِمْ لَيْسَ عَلَيْهِمْ شَيْ‌ءٌ.[[1]](#footnote-1)

کلمه فبلغ مثل ذلک، ظاهرا اشتباه است، بلکه ظاهرا صحیح این است که فبلغ منی ذلک، یعنی به من اثر کرد که چرا هفت شوط تمام نمی شود؟!

### روایت دوم: صحیحه جمیل

وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: حَجَجْنَا وَ نَحْنُ صَرُورَةٌ- فَسَعَيْنَا بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَرْبَعَةَ عَشَرَ شَوْطاً- فَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ ذَلِكَ- فَقَالَ لَا بَأْسَ سَبْعَةٌ لَكَ وَ سَبْعَةٌ تَطْرَحُ.[[2]](#footnote-2)

مورد این روایات، فرضی است که چهارده شوط سعی انجام گرفته و معلوم است که از روی جهل به حکم بوده است و امام علیه السلام حکم به صحت سعی داده اند.

مشهور از این دو صحیحه استفاده کرده اند که زیاده از روی جهل به حکم، مبطل سعی نیست، چه زیاده از جهل تقصیری و چه زیاده از جهل قصوری.

اما در مقابل نظر مشهور، دو نظریه دیگر وجود دارد:

نظریه اول، نظریه مرحوم امام است که فرموده: زیاده در سعی از روی جهل فقط زمانی مبطل نیست که 14 شوط بجا آورد، اما اگر هشت شوط از روی جهل بجا آورد، یا هفت شوط بجا آورد، ولی وقتی به مکان هروله رسید، هروله نکرد و برگشت هروله کند، زیاده شده و سعی باطل است.

با این بیان اشکال محقق داماد نیز بر طرف می شود، اما انصاف این است که ظاهر این روایت، بر خلاف استفاده مرحوم امام است، البته ما الغاء خصوصیت از 14 شوط نمی کنیم، که گفته شود شاید 14 شوط خصوصیت داشته باشد و شاهدش این که در مورد اتیان به هشت شوط، برخی روایات گفته شش شوط اضافه کند تا 14 شوط شود و معلوم می شود که 14 شوط خصوصیت دارد.

بلکه ما می گوییم تعبیر به «قد زادوا علی ما علیهم لیس علیهم شیء» در صحیحه هشام، دو گونه ممکن است معنا شود، یکی این که تعلیل نباشد، بلکه حضرت فرموده باشند که این زیاده است و لکن ضرری نمی­رساند و اشکالی ندارد، بنابر این معنا، حق با مرحوم امام است، اما به نظر می رسد ظاهر روایت، بیان علت باشد، یعنی چون زیاده بر مقدار واجب سعی بجا آورده اند، و ناقص انجام نداده اند، بر آن ها چیزی نیست و سعی باطل نیست و این علت تعمیم می دهد، ولی معنای اول خلاف ظاهر است که بفرماید (زیاده آورده اند و کار درستی نبوده است، اشکالی ندارد)، بدون این که حتی استدراکی انجام گرفته باشد و «لکن» گفته شود.

البته این اشکال بر کلام امام نیز وجود دارد که در مقام طرح و الغاء، عرفی نیست که اگر هفت تا اضافه آورد، الغاء شود، اما کمتر بود الغاء نشود که در صحیحه جمیل گفت سبعة لک و سبعة تطرح، مناسبت حکم و موضوع الغاء، این است که هفت تا شدن موضوعیت برای الغاء ندارد.

اما نظریه دوم، مربوط به آیت الله سیستانی است، ایشان مبنایی دارد که اصل آن را از مرحوم میرزا مهدی اصفهانی گرفته است و اصل این تفصیل را در کتاب البیع ج3 در بحثی در ذیل یکی از روایات بیع الوقف امام هم دیده ایم

 ایشان فرموده: روایات ما برخی در مقام افتاء است و برخی در مقام تعلیم، قسم اول روایاتی است که سائل از وظیفه فعلی سوال می کند و جواب می گیرد، اما قسم دوم مواردی است که راوی از حکم شرعی کلی سوال می کند، در عرف هم چنین است، گاهی پزشک در دانشگاه مطالب پزشکی را برای دانشجویان در مقام تعلیم بیان می کند و گاهی در مطب و در مقام افتاء.

با توجه به این نکته، در مورد روایاتی که در مقام افتاء است، حمل مطلق بر مقید عرفی نیست، عرفی نیست که جواب مطلق پزشک به یک بیمار را تقیید بزنیم به جوابی که پزشک به بیمار دیگری داده است و لذا اگر بیمار اول به جواب مطلق عمل کند و برای او مشکلی حاصل شود، نمی پذیرد که پزشک به بیمار دوم به نحو مقید جواب داده است، اما در مقام تعلیم، بیان مطلقات و قوانین بدون بیان تبصره ها در همان جلسه عرفی است، بلکه عرفی نیست که قوانین کلی به همراه همه تبصره ها در یک جلسه گفته شود.

در روایات مقام افتاء نیز ممکن است گاهی امام علیه السلام خصوصیات سائل را در نظر بگیرد و لذا در برخی روایات است که شخص به امام علیه السلام اعتراض می کند که شما به فلانی فرمودید نوافل را در سفر قضاء کن، ولی به من فرمودید قضاء نکن، و امام علیه السلام در جواب فرمودند هو یطیق و انت لاتطیق، این ها خصوصیاتی است که امام علیه السلام در سائل لحاظ می کند و بعد جواب متناسب با او می دهد و در پزشک هم قضیه از همین قرار است، گاهی دوائی را به جوانی می دهد و وجه آن را نمی گوید، ولی نمی شود که شخص معمّر نیز از آن استفاده کند. (این مطلب اخیر را ما نیز قبول داریم، گرچه در مطلب اول اشکال داریم.)

با توجه به این مبنا، ایشان فرموده: فقط در جهل قصوری، جهل مضر نیست، زیرا این دو صحیحه در مقام تعلیم قانون نیست، بلکه در مقام افتاء است و شاید امام علیه السلام احراز کرده که این دو گروه جاهل مقصر نبوده اند، لذا قضیه حقیقیه نیست که اطلاق داشته باشد و خصوصا که در میان این اشخاص، هشام بوده است که معلوم بوده از روی جهل و عمد بر اشواط سعی نمی افزاید و همچنین روایت جمیل.

ولی به نظر ما صغرای مذکور و تطبیق بر مقام، ناتمام است، گرچه خصوصیات سائل که با علم عادی قابل فهم است، باید در نظر گرفته شود، (نه خصوصیاتی که احراز آن منوط به استعمال علم غیب است)، و لکن؛

اولا: در یکی از دو روایت آمده که حججنا و جماعة و این عرفی نیست که بگوییم امام علیه السلام نسبت به همه این ها شناخت داشته باشد و از خصوصیات ایشان مطلع بوده باشد.

ثانیا: چنان که گفتیم، تعلیل مذکور در صحیحه، تعمیم می دهد و ظاهرش بیان تمام العلة است که زیاده از روی جهل باشد و همین کافی برای عدم ابطال سعی است.

به نظر آیت الله سیستانی زیاده در سعی در کتاب که نیامده و السنة لاتنقض الفریضه، اگر از روی عذر باشد و لذا ایشان بین طواف و سعی فرقی نمی گذارد و زیاده از روی جهل قصوری را هم در طواف و هم در سعی، مضر نمی داند، ولی به نظر ما این کلام تمام نیست.

#### نظر مختار: عدم اضرار زیاده از روی جهل

خلاصه این که به نظر ما دلالت دو روایت اخیر بر عدم اضرار زیاده اشواط سعی از روی جهل تمام است.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص489، أبواب أنه یجب أن یعد الذهاب فی السعی شوطا...، باب11، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/489/%D8%B4%D9%88%D8%B7%D8%A7) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج13، ص492، أبواب أن من زاد فی السعی علی سبعة...، باب13، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/13/492/%D9%85%D9%86%20%D8%B2%D8%A7%D8%AF) [↑](#footnote-ref-2)